

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

ایسکرا ضمیمه ۶۹۸

تلفن تماس با ما Tel: 0046720077654

۱ آبان ۱۳۹۲، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدالکپریان

در مورد مساله ملی در کردستان و تحركات ناسیونالیستی

میزگرد ایسکرا با کاظم نیکخواه، محمد آسنگران و حسن صالحی پیرامون بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری



دوره های قبل متمایز می کند؟

محمد آسنگران: محمد

آسنگران: تحولات منطقه و تغییر اوضاع جهانی جابجایی نیروها و اتحادها و افتراقهای امروز بین دولتهای منطقه و نیروهای سیاسی همگی با گذشته فرق کرده است و مذاکره و جنگ احزاب ناسیونالیست



کرد هم معانی متفاوتی پیدا کرده است. اما موضوع اصلی در میان ناسیونالیستهای کرد امروز چراغ سبز نشان دادن به دولتهای مربوطه است که مورد توافق همه آنها است. این تغییر رویکرد احزاب این جنبش است که امروز تحت عنوان ارسال "پیام صلح به دولتها و ملتها" فرمول بندی شده است. در یک دوره تلاش همه آنها این بود که توجه آمریکا را به خود جلب کنند و به کمک آمریکا بتوانند سهمی از قدرت را در کشورهای مربوطه، عاید خود نمایند. امروز با توجه به افول نقش آمریکا در منطقه و شکست سیاستهایش در عراق و سوریه و افغانستان جریانات ناسیونالیست کرد مثل قبل نمیخواهند همه تخم مرغهایشان را در سبد آمریکا قرار دهند. آنها راه سر راست و "واقعیهانه" برای سهم شدنشان در قدرت را نزدیکی و مصالحه با دولتهای مربوطه میدانند. به همین دلیل پیام صلح و آشتی کنگره ملی کرد قرار است به این استراتژی کمک کند که راه مذاکره و سازش و معامله با دولتهای مربوطه را پیدا کنند. این جریانات اگر تا دیروز و در یک دوره چند ساله رو به قبله

کنند که واقعا آنها را از ستم و محرومیت و تبعیض خلاص میکند. ما جریانات ناسیونالیست کرد را مستقل از طول و عرضشان نماینده مردم کردستان در هیچ کدام از کشورهای سوریه و ایران و عراق و ترکیه نمیدانیم. چرا که خواستهای اساسی این مردم را مطلقا نمایندگی نمیکند. ستم ملی توسط دولتهای



ایسکرا: از کاظم نیکخواه شروع میکنم. دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری بتاريخ ۷ اکتبر بیانیه ای تحت عنوان "بیانیه دفتر سیاسی پیرامون مسئله ملی در کردستان و تحركات ناسیونالیستی" منتشر کرد. چه شد که دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت چنین بیانیه ای را صادر کند؟

آمالشان (آمریکا) نماز میخواندند امروز قبله های متفاوتی دارند. حکومتها در پایتخت کشورهای مربوطه قبله تازه آنها شده اند.

با این سیاست میخواهند با دولتهای سرکوبگر مردم کردستان وارد مذاکره و معامله بشوند. بارزانی و اوجلان و طالبانی به شدت طرفدار مذاکره و مصالحه با دولتهای سرکوبگر مرکزی هستند. بارزانی و طالبانی چون در کردستان عراق به مدینه فاضله خود رسیده و سهمی از قدرت را عاید خود کرده اند، بنابراین امروز در موقعیت دیگری در مورد این مسائل اظهار نظر میکنند و میخواهند با دولتهای همسایه دوست باشند و منافع مشترکی با آنها دارند و دنبال همین منافع هستند. اوجلان و پ.ک.ک هم نا امید از پیروزی در جنگ مسلحانه تلاش میکنند هر امتیازی که میتوانند بدهند، به شرطی که اوجلان از زندان بیرون بیاید و گوشه ای از قدرت در ترکیه عاید پ.ک.ک بشود. آنها مثل گذشته نه از استقلال کردستان و نه حتی از خودمختاری و فدرالیسم

صفحه ۲

بورژوازی يك واقعیت آشکار و عیان در این کشورها است. مردم کردستان محروم ترین بخشهای مردم را تشکیل میدهند که زیر سرکوب سیاسی و اختناق و محرومیت اقتصادی جدی ای قرار دارند. اما ناسیونالیستها امرشان خلاص کردن مردم از محرومیت و تبعیض و ستم نیست. برای نمونه آیا تاکنون شنیده اید که هیچکدام از جریانات ناسیونالیست که این همه سنگ "کرد و کردستان" را به سینه میزنند يك کلمه بطور مشخص بگویند مردم کردستان حق دارند خودشان آزادانه جمعی در مورد سرنوشتشان تصمیم بگیرند؟ یا همه آحاد مردم حق دارند از رفاه و مسکن و تحصیل رایگان برخوردار شوند؟ یا مردم کردستان حق دارند از آزادی بی قید و شرط بیان و اعتصاب و تجمع و تشکل برخوردار شوند؟ جواب به این سوالات کاملا منفی است. تمام تبلیغات اینها اینست که اگر آنها یعنی همین جریانات ناسیونالیست به قدرت برسند و "دولت کردی" تشکیل دهند، مشقات مردم تمام میشود. که این يك دروغ است. يك نمونه اش همین تلاشی است که تحت نام "کنگره ملی کرد" به ابتکار

ایسکرا: سیکل مذاکره-جنگ-

مذاکره همواره جزء لاینفکای جنبش ناسیونالیستی در کردستان بوده است. چه چیز تلاشهای جنبش ناسیونالیستی در دوره حاضر را با

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در مورد مساله ملی در کردستان و ...

و ... هم حرفی به میان نمی آورند. پ.ك.ك همین سیاست را در مورد ایران هم می خواهد پیش ببرد. دستور اوجلان به پژاك كه در آخرین دیدار خود با نمایندگان حزب پ.د.پ ابلاغ کرد این بود كه "پژاك باید برود با جمهوری اسلامی وارد مذاكره بشود!" پ.ی. د حزب متحد پ.ك.ك در كردستان سوریه هم مدتها است كه در جبهه بشار اسد و جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

اما اجرای این سیاست اوجلان در ایران فقط يك بلوف سیاسی میتواند باشد. زیرا پژاك به عنوان شاخه ایرانی پ.ك.ك در كردستان ایران نیروی ریشه داری نیست و هیچ تحول سیاسی معینی هم با ابتكار آنها ممكن نیست. تبلیغ و تشویق پژاك از جانب اوجلان كه برود با جمهوری اسلامی وارد مذاكره بشود!

؟ فقط در يك صورت میتواند جنبه عملی به خود بگیرد آنهم تبدیل شدن پژاك یا همان بخش ایرانی پ.ك.ك به بخشی از سپاه پاسداران در كردستان ایران است. اگر پژاك بخواهد از جانب جمهوری اسلامی جدی گرفته شود این تنها راه عملی و ممکن است كه با لباس كردی به بخشی از سپاه تبدیل بشوند و در معیت آنها علیه مردم كردستان بجنگند. در غیر اینصورت پژاك در كردستان ایران نه از جانب مردم و نه از جانب جریانهای سیاسی و طبعا نه از جانب جمهوری اسلامی هم جدی گرفته نمیشود و منشا اثری نخواهد بود. پژاك به اندازه همان عبدالرحمان حاج احمدی رهبر دكور ماندنش جدی و با نفوذ است. پژاك و حاج احمدی به عنوان رهبر آن، بیش از حد کارتونی و نقش کاریکاتور پ.ك.ك را بازی میکنند. حزب برادرشان در كردستان عراق در جریان انتخابات اخیر هم همین کاریکاتور بودنش را بخوبی نشان داد و احتیاجی به استدلال نیست.

بنابراین توضیحات فوق سه جریان اصلی و با نفوذ در جنبش ناسیونالیستی كرد، یعنی بارزانی، اوجلان و طالبانی می خواهند همه جریانهای جنبش قومی ناسیونالیستی كرد را حول مذاكره و سازش با دولت های مربوطه شان متحد و منسجم کنند. كنگره ملی

کرد قرار است برگزار شود که این سیاست را دنبال کند. این جهت گیری در قدم اول كمك میکند که این سه جریان خواست و سیاست خود را به همه احزاب این جنبش بقبولانند و در قدم بعدی زمینه دوستی و هماهنگی آنها با دولت های منطقه را فراهم کنند. معنی این سیاست در كردستان عراق و ترکیه و سوریه مشخص است. اینکه این سیاست در كردستان ایران چه معنی مشخصی به خود میگیرد به نقش احزاب سیاسی این جنبش در كردستان ایران مربوط میشود. من فکر میکنم با توجه به فضای عمومی اپوزیسیون ایران علیه جمهوری اسلامی احزاب ناسیونالیست كرد در كردستان ایران نمیتوانند و زمینه اینرا ندارند که این سیاست را پیگیری کنند.

ایسکرا: در بیانیه آمده است که جریانات بورژوا ناسیونالیستی در كردستان نمی توانند جوابگوی مسئله كرد باشند؟ چرا؟

حسن صالحی: البته در بیانیه گفته نشده است که جریانات بورژوا ناسیونالیستی نمی توانند جوابی برای مسئله كرد داشته باشند. پاسخ ناسیونالیسم كرد يك پاسخ بورژوا مابانه و ناظر بر منافع این طبقه است. این پاسخ فدرالیسم است. اینکه فدرالیسم چقدر می تواند پاسخ واقعی به مسئله كرد باشد موضوعی است که امیدوارم دوستان دیگر به آن مفصلا بپردازند. آنچه که در بیانیه بدان اشاره شده است این است که از تحركات ناسیونالیستی حتی در مبارزه برای رفع ستم ملی آبی برای مردم گرم نمی شود و راه حلهای آنها بجای اینکه زخمی را التیام دهد آن را عمیق تر می کند.

ببینید آش ناسیونالیسم كرد آقدر شور است که حتی احزاب و سازمانهای متعدد متعلق به خود این جنبش مرتبا همدیگر را به "خیانت به منافع ملی كرد" متهم می کنند. وقتی سرگذشت این جنبش را مرور می کنید می بینید که مثلا احزاب اصلی و مهم این جنبش چگونه با همدستی دولت های سرکوبگری نظیر ایران و عراق علیه

داری معاصر را در خود دارد. ضد آزادی است. ضد زن است. ضد کارگر است. ضد مدرنیسم است. دستش در دست مذهب و خرافه است. هر جا به قدرت رسیده در زیر سایه اش اسلامی ها را رشد داده و به جان مردم كردستان انداخته است و ...

جریانات ناسیونالیستی كرد بیشتر به گذشته جامعه كردستان تعلق دارند، نه قادر به درك مسائل نو جنبش و جامعه هستند و نه یارای ارائه پاسخ و راه حلی در قبال این مسائل دارند. اینها هر وقت که می خواهند خود را به واقعیات دنیای امروز وقف دهند هر چه بیشتر خود را در كنار ارتجاع بورژوازی جهانی قرارداده اند تا در پس شلیك موشك های كروز و به قیمت انهدام و زیر و رو كردن كل شیرازه مدنی و ساختار اقتصادی بخش های عمدتا "غیر كرنشین" به نان و نوایی برسند و سپس علیه همان مردم كرد زبان عمل کنند. شرم آور است ولی حقیقت دارد.

ایسکرا: فکر می کنید سرنوشت كنگره ملی كرد که در این قطعنامه نیز بدان اشاره شده است به كجا می انجامد؟

محمد آسنگران: محمد آسنگران: كنگره ملی كرد قبل از تولد شكست خورده است. شكست خورده است زیرا پیام اصلی كنگره مذاكره با دولتها و "پیام آشتی به دولتها و ملتها" تعریف شده بود. با به بن بست رسیدن روند سازش پ.ك.ك و دولت تركیه امیدي برای این سیاست نمانده است. قرار بود كنگره ملی كرد مهر تاییدی بر سیاست مذاكره پ.ك.ك و دولت تركیه بزند که بارزانی و طالبانی هم برای این سناریو تاریخا فعالیت زیادی کرده بودند. بویژه بارزانی مشوق دو طرف تركیه و پ.ك.ك بود که با هم مذاكره کنند و مصالحه نمایند. بن بست مذاكره پ.ك.ك و دولت تركیه دلیل اصلی شكست این تجمع است. رقابتها و منافع متفاوت همین جریانات ناسیونالیست كرد در كردستان را هم باید به این فاکتور اضافه کرد. نا امیدي ناسیونالیستها از نتایج مذاكره پ.ك.ك و دولت تركیه عملا

زیر پای امید به كنگره ملی كرد را هم سست کرده و امید چنداني به آن نمانده است. تشویق و ترغیب پژاك از جانب اوجلان كه گفته پژاك برود با جمهوری اسلامی وارد مذاكره بشود بیش از اینکه امیدی به نتایج آن داشته باشد، تبلیغاتی است كه غیر مستقیم به تركیه میگوید اگر با پ.ك.ك سازش نکنید پ.ك.ك ناچار است به دامن جمهوری اسلامی پناه ببرد. اخیرا یکی از مقامات دولت تركیه گفته بود جمهوری اسلامی در مسیر مذاكره پ.ك.ك و دولت تركیه دخالت مخرب میکند، منظورش همین بود که اوجلان اخیرا به آن اشاره کرده است و پژاك را تشویق به مذاكره با جمهوری اسلامی نموده است. اینجا پژاك اسم رمز پ.ك.ك است که می خواهد به جمهوری اسلامی نزدیک بشود. بن بست مذاكره اوجلان و دولت تركیه و نا امیدي به نتایج كنگره ملی كرد مستقیما در عین حال به سرنوشت سوریه و نقش و سیاست دولت تركیه بستگی دارد. بنابر این میتوان گفت كه كلید شكست یا پیروزی كنگره ملی كرد نه در دست جریانات ناسیونالیست كرد و سیاست آنها، بلکه در دست دولت تركیه و تحولاتی است كه این دولت در سوریه دنبال میکند. پیام و فراخوان اوجلان برای تشکیل "كنگره اسلامی دمكراتيك" یکی از نتایج شكست و نا امیدي به كنگره ملی كرد است. زیرا اوجلان با این رویكرد می خواهد دو نشان را بزند. او هم به دولت تركیه دارد نشان میدهد كه اگر راه سازش با پ.ك.ك را ببندد آنها آپشن دیگری هم پیشرو دارند و آن پیوستن به جریانات اسلامی "دمكراتيك" است. از نظر اوجلان ظاهرا جمهوری اسلامی یکی از آن جریانات اسلامی دمكراتيك است. و هم به بارزانی میگوید در كنگره ملی كرد جای بیشتری به پ.ك.ك بدهد اگر نه آنها به جریانات اسلامی خواهند پیوست.

ایسکرا: در بیانیه به شرایط ویژه كردستان ایران و حضور يك جنبش سوسیالیستی و انقلابی در مقابل جنبش ناسیونالیستی اشاره شده است. کلا این مسئله در استراتژی حزب کمونیست کارگری برای رفع ستم ملی چه جایگاهی دارد؟

در مورد مساله ملی در کردستان و ...

کاظم نیکخواه: بله این موضوع مهمی است. اگر کسی رویدادها و مبارزات مردم کردستان ایران را در همین ده پانزده سال گذشته تا کنون مرور کند متوجه خواهد شد که اولاً کارگران نقش بسیار پیشرو و فعالی در این مبارزات دارند. کارگران در کردستان ایران همدوش با سایر کارگران در دیگر مناطق، هر سال مراسم ها و تجمعات اول مه را علیرغم سرکوبگری حکومت در اشکال مختلف برگزار میکنند و خواستهای رادیکال و ضد سرمایه داری و ضد حکومتی مشخصی را مطرح میکنند. میتوان گفت که اول ماه مه در سنجق و سقز و برخی شهرهای دیگر به یک سنت شناخته شده و پرطرفدار تبدیل شده است و جمهوری اسلامی با بگیر و ببند و زندانی کردن رهبران کارگری سعی میکند جلوی آنرا بگیرد. ثانیاً فعالیت‌های بسیار پیشرو و مدرنی که در دفاع از حقوق کودکان صورت میگیرد بسیار شاخص و برجسته است که همین یکی دو هفته اخیر هم دو مراسم مهم را در سنجق در دفاع از حقوق کودکان و اعتراض به قانون ضد انسانی "ازدواج با فرزند خوانده" شاهد بودیم. بعلاوه نقش زنان و هشت مارس و حرکت‌هایی مشابه این در کردستان به وضوح قابل مشاهده است. اینها و بسیاری نمونه‌های دیگر نشانه‌هایی از وجود یک جنبش اجتماعی است که آشکارا کارگری و چپ و سوسیالیستی است. این نوع مبارزات و حرکتها در تمام ده پانزده سال اخیر جنبه شاخص مبارزه و حرکت کارگران و مردم در کردستان ایران را تشکیل میداده است. تحركات ناسیونالیستی اصلاً به پای این نوع فعالیتها نمیرسد. میتوان به محبوبيت اجتماعی نیروهای کمونیست و چپ نیز بطور مشخص اشاره کرد. که در کردستان ایران بسیار بارز و قابل مشاهده است. و این روندی روبه گسترش است.

این موقعیت سیاسی و اجتماعی در کردستان ایران در عین حال نشانگر يك واقعیت بسیار مهم دیگر است. و آن اینکه ناسیونالیسم در صحنه سیاسی کردستان ایران دست بالا را ندارد و در نتیجه تفرقه

و اختلافات قومی و ملی در رابطه میان مردم کردستان و مردم سایر بخشهای ایران حاکم نیست و اصلاً جنبه غالب ندارد. يك روند رو به رشد همستگي و اتحاد و نزدیکی میان کارگران و مردم کردستان با سایر بخشهای کارگران و مردم ایران رشد کرده و جلو آمده است. و این بسیار امید بخش است.

می پرسید تاثیر این بر استراتژی حزب ما چیست. پاسخ اینست که این خودش يك پایه اساسی استراتژی حزب ما است. یعنی ما در تقابل با جریانات ناسیونالیست کرد و فارس، میخواهیم و تلاش میکنیم که کارگران و مردم را علیه حکومت اسلامی و طبقه سرمایه دار متحد کنیم. تبلیغات تفرقه افکنانه و شکاف ایجاد کردن بر پایه تفاوت‌های ملی و زبانی و قومی را کنار بزنیم و آن فضای همستگي میان مردم که اشاره کردم در کردستان ایران شاهد هستیم بدرجه زیادی پیشروی همین استراتژی و جهت گیری کمونیستها را نشان میدهد. و این صد و هشتاد درجه با آمال و آرزوهای ارتجاعی ناسیونالیستهای کرد که رویایشان جدا کردن مردم کردستان از سایر بخشهای مردم است فاصله دارد.

در عین حال این خود يك نمونه است که نشان میدهد که شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مردم کردستان در چهار کشور ایران و عراق و ترکیه و سوریه بسیار متفاوت است و قلم گرفتن این تفاوتها تنها میتواند به ارتجاع و تفرقه و فاجعه کمک کند.

ایسکرا: در این بیانیه گفته شده است که "عامل مستقیم تبعیض و ستم بر مردم کردستان دولتهایی هستند که با تکیه بر ناسیونالیسم عربی و یا ارتجاع اسلامی و یا پان ترکیسم و یا ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی" حقوق پایه ای مردم کردستان را به انحاء مختلف نقض کرده اند. در این مورد بیشتر توضیح دهید.

حسن صالحی: دامنه و ابعاد اعمال ستم ملی بر مردم کردستان بسته به نوع دولتهای مرکزی در هر

کشور متفاوت بوده است. در ایران ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی تحت عنوان دفاع از تمامیت ارضی همواره حق انتخاب آزادانه مردم کردستان در بودن بعنوان بخشی از ایران و یا جدایی از آن را انکار کرده است و با زور و قلدری و نظامی گری در مقابل مردم کردستان ایستاده است. قبیل از جمهوری اسلامی حکومت شاه ستم و نابرابری بر مردم کردستان را به اشکال مختلف اعمال میکرد. روی کار آمدن جمهوری اسلامی ابعاد جنایات و وحشیگری علیه مردم کردستان که حالا بعد از انقلاب ۵۷ به عنوان سنگر آزادگان شناخته می شد وسعت بیشتری گرفت و رژیم تازه به قدرت رسیده سرکوب مردم کردستان را به ابزاری برای انتقام از انقلاب مردم ایران تبدیل کرد. در کردستان ایران مردم نمی توانند به زبان مادری خود درس بخوانند و به تحصیل بپردازند. در عراق و تحت حاکمیت صدام حسین عملاً به عنوان شهروندان درجه دو محسوب می شدند. "کرد" بودن به این معنا بود که شما فرودست هستید. در سوریه کردها از محرومین ترین بخش های جامعه بوده اند. بسیاری از جمعیت بزرگ کردستان سوریه بعنوان غریبه ثبت می شدند، حتی شناسنامه نداشتند و از حق شهروندی محروم بودند و به همین دلیل برای آنها دشوار بود که کار پیدا کنند یا در نظام آموزشی دولتی بتوانند ثبت نام کنند. همین آخريها بود که رژیم بشار اسد بخاطر اینکه کردها را در مبارزه علیه رژیم خود خشي نگه دارد به حدود ۲۰۰ هزار کرد که قبلاً به عنوان غریبه ثبت شده بودند حق شهروندی اعطا کرد. در ترکیه کردها همیشه مجبور بوده اند "ترك" باشند. یعنی اینکه موجودیت کردی آنها آشکارا انکار میشود و حتی آنها را "ترك های کوهی" می خوانند. بنابراین می بینید که ستم ملی شکلی از ستم است که هنوز بر بخشهای وسیعی از مردم جهان و در اینجا مردم کردستان اعمال میشود. با اینکه ستم ملی از نظر من پایه واقعی اقتصادی ندارد ولی يك واقعیت زشت و کریه جامعه امروز است و باید جواب بگیرد. تبعیض و نابرابری میان انسانها در هر شکل آن

قابل پذیرفتن نیست و باید تماماً از میان برداشته شود. وجود چنین ستم و تبعیضی فقط می تواند ابزاری باشد که طبقات دارا برای ایجاد نفاق و دو دستی در میان کارگران و مردم زحمتکش و ابقای حاکمیت خود از آن استفاده کنند.

کاظم نیکخواه: ما کلاً فدرالیسم و تلاش برای فدرالیستی کردن هر بخشی از ایران و در هر شکل آنرا يك تلاش ارتجاعی و ضد مردمی میدانیم که اگر جلوگیری گرفته نشود و خنثی نشود میتواند به نزاعهای جدی میان مردم و فجایع و جنگها دامن بزند. در عین حال ارزیابی خوش بینانه من اینست که این گرایش فی الحال تا حد زیادی حاشیه ای و محدود به سطح سازمانها و احزاب ناسیونالیستی است اما نباید آنرا دست کم گرفت و باید فشار را روی آنها نگه داشت. اینها برای مطبوع جلوه دادن آشی که برای مردم پخته اند به سیستمهای فدرالی در برخی کشورهای اروپایی و آمریکا اشاره میکنند که بعضاً به شیوه فدرالیستی بر اساس ملیت و یا استانی و جغرافیایی و یا ملی اداره میشود. و میگویند اینها انواع فدرالیسم است و گویا فدرالیسم در تقابل با تمرکز قدرت در دست يك حکومت واحد است. و اگر قدرت را میان حکومتهای متعدد فدرال تقسیم کنیم مساله دیکتاتوری و تمرکز قدرت حل میشود. این بحث جالبی است. اولاً این جماعت شیدانه طوری وانمود میکنند که گویا مردم يك کشوری مثل آلمان یا آمریکا نشسته اند و تصمیم گرفته اند که فدرالی کشور را اداره کنند و بعد آن کشور معین خط کشی شده و میان حکومتهای فدرال تقسیم شده است. به همین سادگی! داستان درست برعکس است. این ایالات

فدرالی مثلاً در آلمان قبلاً تکه تکه بوده اند و تحت قلمرو آربابان و خانها و حاکمین متعدد بوده اند، مرزها و گمرکات و ارتش و پلیس و معیارها و واحدهای سنجش مختلف و متفاوت داشته اند. و بعد طی جنگها و کشاکشها و سازشهایی که طی قرن نوزده دهها سال طول کشیده، نهایتاً با زور به هم متصل شده اند و هر کدام از قلمروهای سابقاً مستقل به يك ایالت فدرالی تبدیل شده اند. این در واقع بخشی از روند تکوین و شکل گیری سرمایه داری و تشکیل دولت - ملت است. یعنی با سیستم فدرالی این قلمروهای کوچک و بزرگ را که قبلاً جدا جدا بوده اند به هم وصل کرده اند و يك کشور واحد با سیستم و زبان و معیارهای واحد بنام آلمان و غیره درست کرده اند و بر اساس وزن هر کدام از ایالات به آنها درجه ای خودمختاری داده اند. نه اینکه برعکس يك کشور واحد را تکه تکه کنند و به هر کدام يك استقلال نسبی بدهند. يك کشور دهها میلیونی يك صفحه کاغذ نیست که روی آن خط کشی کنید و اسامی متعددی را بنام دولتهای فدرال مختلف درون هر مربع و مستطیلی بنویسید. این کار لازمه اش سالها جنگ و کشاکش و کشت و کشتار است. معنیش به قهقرا بردن يك کشور و نابود کردن زندگیهای بسیار است. این خزعبالات است که گویا از این طریق قدرت غیر متمرکز میشود. اگر میخواهید قدرت متمرکز نباشد باید آنطور که ما میگوئیم همه مردم را در دولت و قدرت سهیم کنید نه اینکه به جای يك دولت که در دست يك اقلیت است ده تا دولت به دست ده تا باند بورژوا - ناسیونالیست بدهید تا مردم را در خطه خودشان سرکوب و استثمار کنند. نمونه عراق هم اتفاقاً همین واقعیت را نشان میدهد که نه قدرت غیر متمرکز شده است و نه مردم کردستان از سرکوب خلاص شده اند و نه این روند به سادگی و بدون جنگ و خونریزی پیش رفته است. تازه نمیدانم تا چه حد میتوان عراق کنونی را يك دولت فدرالی نامید. اینجا هنوز جنگ است و هنوز سرنوشت قدرت سیاسی قطعی نیست. هنوز اوضاع بی ثبات است و دولت مرکزی قوام نگرفته است و سایه جنگ میان دولت

در مورد مسأله ملی در کردستان و ...

مرکزی و به اصطلاح "دولت اقلیم کردستان" همین الان روی سر مردم قرار دارد. آینده عراق و کردستان عراق بستگی به حل این مسائل دارد.

این را هم اینجا فقط اشاره کنم که به دلیل اوضاع سیاسی و تاریخی مشخصی که در عراق و در کردستان عراق طی سالها حاکم بوده و فجایعی که صورت گرفته و شکافهایی که میان مردم ایجاد شده، ما از سالها پیش تا کنون و تازمانی که این فضا وجود دارد، از استقلال کردستان عراق دفاع میکنیم که طبعاً با رای مردم در یک referendum عمومی و آزاد باید عملی شود.

ایسکرا: در بیانیه دفتر سیاسی یکرشته مطالبات در زمینه رفع ستم ملی بیان شده است که در این قسمت به آنها می پردازیم. اولین سؤال این است که چرا مبارزه برای رفع ستم ملی برای کمونیستها مهم است؟

محمد آسنگران: ستم ملی مانند هر ستم دیگری علیه خواست و اراده مردم است و آزادیها و حقوق مردم را محدود و دولتها سرکوبگر مردم را سرکوب میکنند. بنابراین یک امر بدیهی است که کمونیستها علیه آن باشند. تا جایی که به ستم ملی مربوط است وجود این ستم تنها محدود به اعمال بیحقوقی علیه مردم نیست، بلکه باعث تفرقه قومی هم میشود و عملاً فضایی را ایجاد میکند که همزیستی مسالمت آمیز مردم منتسب به ملیتهای مختلف را دچار مشکل و معضل میکند. ما در کردستان و هر جای دیگر که ستم ملی اعمال شود باید در مقابل آن بایستیم. زیرا هم مخالف هر نوع ستمگری هستیم و هم برای ایجاد وحدت بین بخشهای مختلف مردم باید زمینه این وحدت را فراهم کنیم. ستمگری ملی عملاً احساس ملی و ناسیونالیستی در مقابل خود شکل میدهد. وجود جنبش ناسیونالیستی در کردستان با اعمال ستمگری ملی از جانب دولت مرکزی توجیه میشود. بنابراین وجود ستم ملی هم به دلیل ناحق بودنش و ستمگری

دولت و هم به دلیل ایجاد تفرقه و هم به دلیل ایجاد احساس قومی و ملی در میان بخشهای معینی از جامعه باید برچیده شود. کمونیستها موظف هستند با تلاش و مبارزه خود برای رفع ستم ملی احساس انسانی و همزیستی مسالمت آمیز را به جای احساس قومی و تفرقه ملی تقویت کنند. جریاناتی که خود را چپ و کمونیست میدانند و مرتب احساسات ملی و قومی مردم را باد میزنند عملاً در مقابل تعلق انسانی و فردی مردم به عنوان یک موجود انسانی و اجتماعی قرار گرفته و در کمپ ناسیونالیستها و قومگرایان قرار میگیرند

ایسکرا: یک نکته محوری در این بیانیه این است که هر نوع توافق از بالا میان دول ارتجاعی و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود می دانیم و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم در مورد آینده سیاسی کردستان هستیم. در اینجا چند مسئله مطرح است. مراجعه به آراء مردم در یک جامعه باز و آزاد قابل فهم است ولی در شرایط کنونی این چگونه امکانپذیر است؟ همین الان جریانات ناسیونالیستی می خواهند از بالای سر مردم ببرند و بدونند. مردم چطور می توانند دخالت کنند؟

حسن صالحی: به نظر من مردم کردستان باید از هر فرصتی استفاده کنند تا نظر و رای خود را ابراز دارند و سعی کنند آنرا به کرسی بنشانند. در همین بیانیه نیز ما جایی اشاره کرده ایم و از همه مردم دعوت کرده ایم که در گردهمایی ها و مجامع عمومی خود با صدور قطعنامه و بیانیه خواستها و مطالبات مندرج در این بیانیه را مورد تاکید قرار دهند. حتی بحث کردن در محافل حول چنین مسائلی به رشد و بیداری و همچنین گسترش میزان دخالتگری مردم کمک می کند. به نظرم دوره هدایت مبارزه علیه ستم ملی توسط بورژواها و بطریق اولی رؤسای عشایر به سر آمده است. اینها نباید و مجاز نیستند که اسم مردم کردستان را به نرده بان ترقی

خود تبدیل کنند. کارگران و مردم زحمتکش قیام نمی خواهند. آقا بالاسر نمی خواهند. مردم می خواهند که خود مستقیماً در سرنوشت خود نقش ایفا کنند. این مستلزم سازمانیابی و تشکل است. این مستلزم این است که از هر تریبونی که می یابیم و با استفاده از مدیای اجتماعی که اکنون در دسترس همگان قرار دارد حرفمان را بزنیم و آنرا با صدای بلند اعلام داریم.

ایسکرا: حزب کمونیست کارگری ایران مسئله برگزاری referendum در باره مسئله کرد را مطرح می کند. این فرندام قرار است تحت چه شرایطی صورت گیرد؟

محمد آسنگران: محمد آسنگران: ببینید هر جا که وجود ستم ملی به معضلی تبدیل بشود و زندگی مسالمت آمیز مردم منتسب به ملیتهای مختلف با همدیگر را دچار مشکل کند، راه حل آن مراجعه به آراء عمومی و یا همان referendum است. شرایط برگزاری referendum هم طبیعی است که باید طوری باشد که مردم منتسب به ملیتی که مورد ستم قرار گرفته است، بتوانند آزادانه رای بدهند که میخواهند با حقوق مساوی در کنار بقیه مردم در یک کشور واحد زندگی کنند و یا میخواهند حکومت مستقلی داشته باشند. مانند آنچهیزی که در کبک کانادا اتفاق افتاد. این نوع referendum کمک میکند که مردم کردستان ایران این احساس را پیدا کنند که خودشان تصمیم میگیرند چگونه آینده سیاسی و زندگی اجتماعی خود را شکل بدهند. طبیعی است که ما با توجه به فاکتورهای آن دوره معین توصیه خودمان را مطرح میکنیم. اما کلاً کمونیستها خواهان مرکزیتی قومی و ملی و مذهبی بین مردم نیستند. در عین حال لازم به تاکید است که امروز در همه بخشهای کردستان عملاً اعمال ستمگری ملی باعث بوجود آمدن مسئله ای به اسم مسئله ملی و یا مسئله کرد شده است و حل مسئله کرد هم فقط با رجوع به آراء آنها ممکن است. همینجا لازم است تاکید کنم که راه حل مسئله کرد و

راه حل رفع ستم ملی بر مردم کردستان یکی نیست. برای رفع ستم ملی کافی است که حقوق شهروندی مساوی اعمال بشود و همه شهروندان در مقابل قانون متساوی الحقوق باشند. اما برای حل مسئله کرد با وجود قوانین مساوی شهروندی برای همه، باز هم ناچاراً باید به آراء مردم مراجعه بکنید و طی یک referendum از مردم سوال کنید آیا میخواهند به عنوان شهروندان متساوی الحقوق با بقیه مردم در زیر یک سقف و در یک چهار چوب کشوری واحد زندگی کنند و یا میخواهند کشور مستقل خود را داشته باشند. این دومی مهم است زیرا ممکن است قوانین شهروندی مساوی هم در کشوری اعمال بشود و ستم ملی هم رفع شده باشد، ولی آن مردم به دلیل ستمهای تاریخی و خونریزها و لشکر کشیهایی که تاریخاً زخمهای عمیقی بر پیکر آن جامعه ایجاد کرده است هنوز احساس امنیت نکنند. کردستان عراق نمونه این حالت است. اکنون بیش از دو دهه است که ستمگری ملی در کردستان عراق غیر ممکن شده است. اما مسئله کرد یا مسئله ملی در کردستان عراق همچنان حل نشده باقی مانده است. همچنانکه بالاتر گفتیم تنها راه حل متمدانه مسئله کرد و یا مسئله ملی در کردستان رجوع به آراء مردم ساکن کردستان است. که بتوانند به این دو سوال پاسخ بدهند. ۱- آیا میخواهند به عنوان شهروندان متساوی الحقوق در کنار بقیه مردم عراق در کشور عراق زندگی کنند و یا ۲- میخواهند کشور مستقل خود را داشته باشند. نتیجه آراء و referendum هر چه باشد ما آنرا به رسمیت میشناسیم و تلاش میکنیم همه طرفهای درگیر هم آنرا برسمیت بشناسند. این تنها راه متمدانه و کم ضرر حل مسئله کرد است.

ایسکرا: اگر مردم کردستان در این referendum رای به جدایی بدهند آیا شما آن را می پذیرید؟ آیا حالتی هست که شما نیز به مردم توصیه کنید که رای به جدایی بدهند؟ در صورت جدایی شما چه نظامی را برای جامعه کردستان پیشنهاد می کنید؟ در این نظام مردم چه نقشی خواهند داشت؟

کاظم نیکخواه: بله مسلماً. ما کلاً در تلاش متحد کردن بخشهای مختلف مردم هستیم و همانطور که در همین بیانیه دفتر سیاسی هم تاکید شده ترجیحمان اینست که مردم در چارچوبه های کشوری بزرگتر بطور آزادانه و داوطلبانه زندگی کنند، اما هر جا و در هر موردی که مردم احیاناً رای به جدایی بدهند ما آنرا نه فقط می پذیریم بلکه مقابل تمام تلاشهایی که میخواهد مردم را به زور در چارچوبه های کشوری معینی محبوس کنند می ایستیم. مردم باید حق داشته باشند خودشان تصمیم بگیرند که چگونه و در کدام چارچوب میخواهند زندگی کنند. از نظر ما آزادانه ترین سیستم اداره یک کشور که دخالت مردم در تعیین سرنوشتشان را تضمین میکند سیستم شورایی است و در کردستان هم ما همین سیستم را برای اداره امور جامعه توسط مردم توصیه و تبلیغ میکنیم. در این نظام مردم خود صاحب اختیار جامعه اند و از طریق شوراهایشان در سیاستها و جهت گیریها و قوانین جامعه تصمیم گیری میکنند و تمام ارگانها قانون گذاری و اجرایی را تعیین میکنند و هر وقت بخواهند میتوانند تصمیماتشان را علمی کنند و یا نمایندگانشان را تغییر دهند. این معنای دیگرش دموکراسی مستقیم است که تفاوت جدی ای با دموکراسی های موجود دارد که یک پارلمان و یک دولت به مدت معمولاً ۴ سال یا بیشتر ظاهراً به نمایندگی از مردم هر کار دلش خواست میکنند و مردم جز یک بار رای دادن کار دیگری نمیتوانند بکنند. تجربه نشان داده است که قدرت در این دموکراسی های بورژوازی میان یکی دو دسته از بزرگترین سرمایه داران و احزابشان دست به دست میشود. دموکراسی شورایی یا دموکراسی مستقیم یک ریشه قدیمی تاریخی دارد و امروز با پیشرفت تکنیک ارتباطاتی از همیشه عملی تر و امکان پذیر تر است. ما میخواهیم که یک بار برای همیشه به حاکمیت یک اقلیت بر اکثریت مردم پایان داده شود.

ایسکرا: یک کردستان مستقل مثلاً در کشوری مثل ایران و یا

در مورد مسأله ملی در کردستان و ...

عراق چقدر به لحاظ عینی عملی است؟ چقدر امکان دارد که در اینصورت نیازهای مختلف جامعه در حوزه های مختلف بویژه اقتصادی برآورده شود؟ در یک کردستان مستقل در ایران چقدر امکان دارد از پس تهدیدات دولتهای همجوار برآید؟

حسن صالحی: به نظر من عملی است ولی حفظ آن دقیقا به دلیل همان مخاطراتی که شما بدان اشاره کرده اید شاید امر ساده ای نباشد. بخش از همین نظر است که ما طرفدار زندگی همه آحاد مردم بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوبهای کشوری بزرگتر هستیم. چهارچوب های بزرگ کشوری ماتریال انسانی و امکانات مادی و طبیعی بسیار بیشتری برای شکوفایی جامعه و همچنین مهار توطئه های دشمنان مردم بدست می دهد. در هر صورت در یک حالت فرضی که شما بدان اشاره می کنید تنها راه حفظ و بقا جامعه مستقل کردستان اتکا به مردم و همبستگی جهانی با آن است. مسئله مهم این است که یک جامعه مستقل کردستانی بر اساس چه ارزشهایی استوار است. جامعه ایی که در آن آزادی واقعی وجود دارد، ستم کشی علیه زنان وجود ندارد، فساد و ارتشاء و دزدی مقامات حکومتی خبری نیست، مردم در آن تصمیم گیرندگان واقعی و مجری آن هستند و شهروندان از زندگی خوبی برخوردار هستند، پتانسیل بسیار خوبی برای ادامه حیات دارد. چرا که مردم با چنگ و دندان از چنین جامعه و مناسباتی حفاظت می کنند و بعلاوه اینکه چنین جامعه ای مشتی به همین راحتی نمی تواند در انظار افکار عمومی جهان مورد تهاجم قرار گیرد چرا که در اینصورت سیلی از همبستگی

جهانی از آن حمایت خواهد کرد.

ایسکرا: در بیانیه به این اشاره شده است که حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل عمومی خواهان زندگی همه آحاد مردم بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر هستیم. بعضی ها تاکید شما بر زندگی کردن در چهارچوب های کشور بزرگتر را با تاکید ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی بر تمامیت ارضی یکی می دانند. چه تفاوتی در این مورد وجود دارد؟

کاظم نیکخواه: روشن است که ما طرفدار تکه تکه کردن مردم در سرزمینهای کوچک و یا جدا کردن مردم تحت عنوان هویت های قومی و ملی و نژادی و مذهبی نیستیم. دلایل و عوامل عینی بسیار قدرتمندی مردم را به هم پیوند میدهد و متحد میکنند که پیوندهای موهوم قومی و مذهبی و امثال اینها در برابر آنها هیچ حساب میشود. مردم قبل از اینکه کرد و ترک و فارس و مسلمان و بی خدا و امثال اینها حساب شوند، انسانند، حس انسانی دارند. اکثر مردم همبستگی های اجتماعی و طبقاتی و کارگری دارند و این همبستگی ها بسیار عینی و مادی و ملموس است. این ناسیونالیسم و مذهب است که مدام سعی میکنند اعتقادات و وابستگی های سرزمینی و زمینه های قومی و نژادی مردم را برجسته کند و روی پیوندهای اساسی و عینی آنها خاک بپاشد. اگر شما حس ناسیونالیستی و مذهبی را از مردم بگیریید هیچوقت یک کارگر کردستانی دست در دست یک سرمایه دار مفتخور کرد علیه کارگر و پرستار و مردم فارس زبان و ترک زبان و غیره متحد نمیشود. کلا بدون دامن زدن به

احساسات ناسیونالیستی و مذهبی و نژادی و ایجاد تفرقه در میان کارگران و مردم، حاکمیت اقلیت سرمایه دار در هیچ کجا عملی نخواهد بود. فکر میکنم اینها را به سادگی میتوان نشان داد.

اما تمامیت ارضی به چه معناست؟ کسانی که سنگ تمامیت ارضی و امثال اینها را به سینه میزنند حرفشان این نیست که مردم را قانع کنند که در یک سرزمین بزرگتر یا هم متحد شوند. بلکه از تقدس "سرزمین" و "خاک" دفاع میکنند و هرگونه سخن از اینکه مردم خودشان باید تصمیم بگیرند را با مارک "تجزیه طلبی" محکوم میکنند و مورد حمله قرار میدهند. و تجریبات تاریخی نشان داده است که پرچم تمامیت ارضی پرچم لشکر کشی ها و سرکوبی های خونی علیه مردم منتسب به اقلیتهای ملی بوده است. سیستم ایدئال اینها همان نظام نوع آریامهری است که یک پایه اش بر ستم ملی و تبعیض و سرکوب خشن بخشهای مختلف مردم به دلیل زبان و فرهنگ و انتساب به هویت های ملی و قومی قرار داشت. اگر شما از اتحاد داوطلبانه و هرچه وسیع تر مردم دفاع کنید دارید هم از برابری حقوقی همه مردم دفاع میکنید و هم از حق جدایی هر بخش از مردم که اراده کنند نیز دفاع میکنید و این درست نقطه مقابل خط و سیاست اساسی ناسیونالیستها و شوینیستهاست. امیدوارم این توضیح مختصر مسأله را روشن کرده باشد.

ایسکرا: نظر شما در باره تشکیل کردستان بزرگ متشکل از بخشهای مختلف کردستان ایران، ترکیه، سوریه و عراق چیست. آیا اصولا چنین چیزی عملی است؟

های سنگین محکوم کرده اند. کله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

محمد آسنگران: محمد آسنگران: هنگامیکه رعایت و به رسمیت شناسی حقوق انسانی مردم مطرح میشود، هیچ مرزی برای من مقدس نیست. همچنانکه قدیم این مرزها نبودند و اکنون به دلایلی تاریخی مرزها به شکل امروزی هستند. یک دوره ای تعدادی آدم به دلیل منافع و قدرت و نفوذ دولتها و طبقات دارا خط کشی مرزها را دستکاری کرده و اینطرف و آنطرف کرده اند، امروز هم اگر منافع طبقات پایین جامعه اقتضا کند باید آن منافع را در نظر گرفت و مرز و خاک و آب و درخت تعیین نمیکند که منفعت مردم چگونه و تا کجا باشد. اصل و منشا برای ما نه خاک و آب و مرز بلکه انسان و حقوق انسانی است. اگر جایی قرار است بین انسان و خاک و یا بین حقوق انسانی و تعیین مرز دو یا چند کشور، یکی قربانی بشود آن یکی نباید انسان و حقوقش باشد. هر انسان یک بار شانس زندگی کردن دارد و فعلا دانش بشر این است که این زندگی بر کره زمین ممکن شده است. پس مرز برای زندگی بشر فعلا کره زمین با کرات دیگر است نه خط کشیهایی که بر این کره ایجاد کرده اند و اسم آنها را کشورهای معینی گذاشته اند. اما اینکه کردستان بزرگ شامل هر چهار بخش کردستان عملی یا غیر عملی است به نظر من چندان عملی به نظر نمیرسد.

زیرا از جانب مردم و طبقات پایین جامعه کششی برای ایجاد چنین دولتی وجود ندارد و منافعی در آن نمی بینند که تلاش کنند آنرا ایجاد نمایند. طبقات دارا و دولتها هم طرفدار چنین اقدامی نیستند بنابر این فعلا من زمینه ای برای ایجاد چنین دولتی نمی بینم و ضرورتی هم برای آن نمیتوانم متصور بشوم. اما اگر روزی این ضرورت خود را طرح کرد، در آن روز و در آن دوران نیز بر اساس اصل حقوق انسان و نه تقدس خاک و مرز

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

در آن مورد اظهار نظر و تصمیم خواهیم گرفت.

ایسکرا: در قطعنامه به مسئله زبان اشاره شده است و اینکه ساکنین کرد نشین کشور باید حق داشته باشند به زبان مادری خود تحصیل کنند و امور خود را به پیش برند. آیا حزب کمونیست کاگری حاضر است که زبان کردی را با توجه به تعداد جمعیت کرد زبان بعنوان یکی از زبانهای رایج کشور معمول کند؟

حسن صالحی: ما در برنامه خود گفته ایم که هرگونه زبان رسمی اجباری باید ممنوع باشد. چرا که تحت این عنوان بخش قابل توجهی از شهروندان از حق تحصیل به زبان مادری خود محروم شده اند. بعلاوه تاکید کرده ایم زبان های رایج کشورهای چرجه باشد جامعه باید امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی را تامین کند و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ نگه دارد. این موضوعی است که در این بیانیه نیز بر آن تاکید داشته ایم. به نظر من این کاملاً قابل تصور است که در ایران ما چند زبان به عنوان باشیم. همانطور که مثلا امروز در سوتس چهار زبان رایج وجود دارد. این نهایتا به رای و نظر مردم و نمایندگان منتخب آنها مربوط است.

ایسکرا: با تشکر از شما، کاظم نیکخواه، محمد آسنگران و حسن صالحی برای شرکت در این میزگرد.

.....

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد

حزب کمونیست کارگری!

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت خواسته اند ما را به خیابان رها کرده

اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه

بیانیه دفتر سیاسی

پیرامون مساله ملی در کردستان و تحركات ناسیونالیستی

یکی از پیامدهای تحولات اخیر منطقه خاورمیانه، تحرك ناسیونالیسم کرد در کشورهای مختلف برای رسیدن به توافق و سازش با دولت‌های سرکوبگر مرکزی بمنظور سهیم شدن در قدرت است. درست در دوره انقلابات و اعتراضات توده ای گسترده در منطقه که مردم دولت‌های ارتجاعی و سرکوبگر را زیر ضرب مبارزات خود قرار داده اند احزاب ناسیونالیست کرد به تلاش برای سازش و همراهی با این دولت‌ها روی آورده و بار دیگر بی ربطی خود به مبارزه آزادیخواهانه مردم برای رهایی از شر این حکومت ها را به نمایش گذاشته اند. همراهی ناسیونالیسم کرد در سوریه با دولت اسد و شروع مذاکره و سازش پ ک ک با دولت ترکیه نمونه هائی از این سیاست ارتجاعی است که در ماه‌های اخیر شاهد آن بوده ایم.

تلاش احزاب ناسیونالیست کرد عراق برای برپایی آنچه آنرا "کنگره ملی کرد" مینامند و قرار است با گرد آوردن احزاب و جریان‌های ناسیونالیست کرد از کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران صورت گیرد، سیاستی در همین راستا است. در واقع احزاب ناسیونالیست کرد عراقی با این ابتکار رویای این را دارند که بعنوان احزاب حاکم در "قلیم کردستان عراق" به دولت‌های منطقه نزدیک شوند و از این طریق جایگاه خود را در برابر دولت مرکزی عراق و همچنین در مقابل رقبای

ناسیونالیست خود مستحکم تر نمایند.

تحركات جریان‌های ناسیونالیست نه تنها کمکی به خلاصی مردم بخش‌های مختلف کردستان از ستم ملی نمیکند، بلکه کشاکش‌های خونین آینده بر سر مناطق نفوذ نیروهای ناسیونالیستی را پی ریزی میکند و از طرف دیگر شکاف میان مردم کردستان با بخش‌های دیگر مردم را دامن میزند. ناسیونالیسم کرد تاریخاً نیز نشان داده است که نه فقط در مورد ستم ملی بلکه در هیچ زمینه ای با روند ترقیخواهی و امیال و آرزوهای توده‌های مردم کردستان همراه نیست و همواره بعنوان یک نیروی ارتجاعی مدافع و سخنگوی طبقات دارا، در حال مماشات با دولت‌ها و نقطه مقابل منافع مردم زحمتکش بوده و با راه حل‌هایی نظیر خودمختاری و فدرالیسم به نهادهای شدن تفاوت‌های قومی دامن می‌زند. تجربه حاکمیت بیش از دو دهه احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق به تنهایی سند ورشکستگی این جریان‌هاست و نشان میدهد که آنجا که این احزاب دستشان به قدرت برسد چیزی جز ارتجاع و عقب ماندگی، برقراری اعدام و سرکوب و زندان، رشد جریان‌های جنایتکار اسلامی و فساد و تبعیض و بیحقوقی، نصیب مردم نخواهد شد. احزاب ناسیونالیست کرد در سوریه و ایران و ترکیه نیز در این زمینه دست کمی از همکیشان خود

در کردستان عراق ندارند. در کردستان ایران به یمن اجتماعی بودن کمونیسم و نفوذ آرا و افکار چپ و سوسیالیستی دامنه عمل ناسیونالیسم کرد محدود تر است و جنبش سوسیالیستی و انقلابی دست بازتری دارد. وجود همین فاکتور باعث تقویت اتحاد و همبستگی مردم کردستان با مردم سراسر ایران و مبارزه متحد مردم سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی شده است.

عامل مستقیم تبعیض و ستم بر مردم کردستان دولتهایی هستند که با تکیه بر ناسیونالیسم عربی و یا ارتجاع اسلامی و یا پان ترکیسم و یا ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی و اعمال قوانین ستمگرانه و استفاده از نیروی نظامی حقوق پایه ای و شهروندی مردم کردستان را نقض و انکار می‌کنند. خلاص شدن مردم کردستان از ستم و تبعیض منوط به مقابله با این دولت‌ها و مبارزه متحد مردم علیه نابرابری و تبعیض است.

ما تاکید داریم که رهایی مردم کردستان بدون عقب راندن ناسیونالیسم و افشای سیاست‌های ارتجاعی و تفرقه افکنانه جریان‌های ناسیونالیستی ممکن نیست. بر این اساس مبارزه متحدانه علیه ستمگریهای دولت مرکزی باید با مبارزه برای حاشیه ای کردن افق و سیاست‌های تفرقه افکنانه و ارتجاعی نیروهای ناسیونالیست همراه شود. راه

رهایی مردم کردستان گرد آمدن حول خواستها و مطالبات انسانی و برابری طلبانه و اتحاد و همبستگی با مبارزات سراسری توده‌های مردم علیه دولت‌های مرکزی در هریک از این کشورهاست. بدین منظور ما پلاتفرم زیر را اعلام میکنیم و همه مردم و احزاب و جریان‌های آزادیخواه در کردستان و خارج کردستان را به گردآمدن حول آن فرامیخوانیم:

۱- اعمال هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت باید ممنوع شود. همه مقررات و قوانین تبعیض آمیز علیه مردم کردستان باید فوراً ملغی شود. سیاست‌ها و اقدامات سرکوبگرانه علیه این مردم باید فوراً متوقف شود. هر گونه تبعیض سیاسی، فرهنگی باید خاتمه یابد. همه شهروندان جامعه باید مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی، مذهبی و نژادی از حقوق یکسان و مساوی برخوردار باشند. مردم کردستان باید از حق استفاده از زبان مادری خود در مکاتبات رسمی و در مراجع دولتی و در امر آموزش و پرورش و کلیه فعالیت‌های اجتماعی برخوردار باشند.

۲- ما فدرالیسم و خودمختاری و هر طرح دیگری بر اساس قومیت را پاسخ "مسئله کرد" نمی‌دانیم. این آلترناتیوها نه راهیایی برای حل مساله ملی بلکه نسخه

هایی برای تداوم تخاصمات و کشمکش‌های ملی، برجسته کردن و ابدیت بخشیدن به هویت‌های ملی و قانونی کردن جدایی‌های ملی در چهارچوب یک کشور است.

۳- پاسخ اصولی ما برای رفع ستم ملی برابری حقوقی همه شهروندان در تمام شئون اجتماعی است. ما برای برقراری یک نظام سیاسی و اداری سکولار، غیرقومی و غیرمذهبی تلاش می‌کنیم که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، اعتقادات، و غیره تضمین شده باشد. در عین حال ما از این حق مردم کردستان بطور کامل دفاع میکنیم که از طریق یک فرماندم آزاد در مورد جدایی یا عدم جدایی بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور تصمیم بگیرند. ما هر نوع توافق از بالا میان دول ارتجاعی و احزاب ملی-عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود می‌دانیم و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم در مورد آینده سیاسی کردستان هستیم.

۴- بعنوان یک اصل عمومی ما خواهان زندگی همه آحاد مردم بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب‌های کشوری بزرگتر هستیم.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

از صفحه ۶ بیانیه دفتر سیاسی ...

های هرگونه ستم و نابرابری را می خشکاند و برابری واقعی یعنی امکان برخورداری از همه مواهب مادی و معنوی زندگی را برای همگان میسر می سازد. ما همه کارگران و مردم زحمتکش را به برپایی چنین انقلابی برای ایجاد یک جامعه آزاد و برابر و انسانی فرامی خوانیم.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اکتبر ۲۰۱۳
۱۵ مهر ۱۳۹۲

ما همه مردم مبارز کردستان را فرامی خوانیم که برای بدست آوردن حقوق پایه ای خود، و به دست گرفتن سرنوشت خود با تمام قوا به میدان آیند و در عرصه های مختلف مبارزه حضور آگاه و متشکل خود را برای پیگیری آرزوها و تمایلات انسانی شان به نمایش بگذارند. لازم است کارگران و مردم زحمتکش کردستان در گردهمایی ها و مجامع عمومی خود با صدور

قطعه نامه و بیانیه این خواستها و مطالبات را مورد تاکید قرار دهند و برای به کرسی نشاندن رای و اراده خود بکوشند. حزب کمونیست کارگری ایران مبارزه علیه هرگونه ستم ملی را بخش لاینفکی از مبارزه وسیع تر خود برای برپایی انقلاب کارگری و جامعه سوسیالیستی می داند. انقلاب و جامعه ایی که با لغو استعمار سرمایه داری و از میان بردن تقسیم انسانها به طبقات ریشه



شبکه تلویزیون نگاه شما

ساعاتی از برنامه خود را به فروش میرساند

علاقتمندان میتوانند با ایمیل و شماره تلفن زیر تماس بگیرند:

ایمیل: negah.shoma@gmail.com

تلفن: ۰۰۱۵۰۵۲۰۶۵۰۰۱

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

هاتبرد

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

نگاه شما در GLViZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.glwiz.com/>

Negah E Shoma

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون ساعته کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLViZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

حزب کمونیست کارگری طرح های مختلف خودمختاری کردستان را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه آنها را نسخه ای برای دائمی کردن هویت های ملی کرد و غیر کرد در يك چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی های ملی و زمینه ای برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی در آینده ارزیابی میکند.

حزب کمونیست کارگری هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفاً بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجراء گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میداند.

.....

از يك دنیای بهتر برنامه
حزب کمونیست کارگری ایران

رفراندم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این رفراندم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین يك دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در رفراندم، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشرو تر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت. موضع رسمی حزب کمونیست کارگری در هر مقطع بر مبنای يك بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش در کردستان بطور اخص تعیین خواهد شد.

آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت میشناسد.

مساله کرد

نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان يك اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق يك پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری يك



رفع ستم ملی

چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را يك وظیفه حیاتی خود میداند.

بعنوان يك اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان

حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان ها میداند و با هر نوع تقسیم بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

<http://hekmat.public-archive.net/>

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!